



۲۰۱۹/۰۴/۱۶



مهزیار مهرآذین  
کارشناس فقه اسلامی

## تأملی در چند مقوله دینی (پیامبری، عصمت، وجه جمالی و وجه جلالی دین)



قسمت چهارم و اخیر

### نگاهی به وجه جمالی و وجه جلالی دین:

هر چه در جهان هست، دو وجه دارد: وجه جمالی و وجه جلالی. هیچ چیز در هستی نیست که تنها یک وجه داشته باشد. البته وجه جلالی در اموری ممکن است جلالی تر باشد و وجه جمالی نیز ممکن است در برخی امور جمالی تر ولیکن هیچ چیز فارغ از این دو وجه فعلا نیست. (آیا می شود زمانه ای که وجه جمالی و جلالی با هم یکی شوند و وجه اعظم شکل بگیرد؟!)

همچنین باید توجه داشت برخی چیزها وجه جمالیشان زمانی غالب می شود و برخی چیزها وجه جلالیشان. ولی با تغییر زمان دوباره جای دو وجه جابجا می شود. دین نیز وجهی جمالی دارد و وجهی جلالی. ما در ادامه ابتدا از وجه جمالی دین و آنگاه از وجه جلالی آن سخن به میان می آوریم.

### چهره های وجه جمالی دین، عبارتند از:

- ۱- دین به دلیل آنکه نظام معنایی منسجم، یکدست و روشنی ارائه می دهد، لذا موجب می شود دین مداران، از اضطرابات فکری و آشفتگی های روانی و اغتشاشات ذهنی کم تری، در قیاس با بی دینان برخوردار باشند. علاوه بر این، دین به دلیل آن که انسان را متکی و متوسل به نیرویی لایزال و قدرتی بی انتها بار می آورد، موجبات اطمینان خاطر بیشتر می شود و اسباب سکینه نفس انسان را مهیا می کند.
- ۲- دین به دلیل اینکه انسان را به نیرویی بی انتها که قادر است همه محدودیت ها و موانع موجود را بی کمترین مرارت، رفع نماید، متصل می سازد؛ زین سبب از نومیدی و یاس و همچنین هراس و ترس مردم می کاهد.

- ۳- دین از آنجا که به مکافات عمل قائل است و بیان می کند که اگر کسی خوبی کند، پاداش می گیرد و اگر بدی نماید کیفر می بیند، لذا بهترین ضامن اخلاق است (اخلاقی مانند: ایثارگری، انفاق به فقیران و درماندگان، گذشت کردن از بدی های دیگران، خانواده دوستی و...)
- ۴- دین از آنجا که در مسایل جنسی سخت گیر است، یکی از محکم ترین پشتوانه های سلامت جنسی و مانع محکمی در برابر آوارگی عاطفی و اعتیاد به سکس و سرگرمی و هرزگی و بی بند و باری جنسی و تجاوزگری جنسی به صغیر و کبیر و غریب و آشنا و زن و مرد و خلاصه تبدیل انسان به "ماشین سکس" است.
- ۵- دین از آنجا که با ولنگاری جنسی مخالف است و نیز چون بر نقش محوری و بنیادین پدر به مثابه خداوندگار خانه و خانواده، تاکید دارد بزرگترین حافظ نهاد خانواده و روابط نزدیک عاطفی و دوستانه موجود در آن است.
- ۶- دین به دلیل آنکه به پیروان خود منظومه فکری و نظام معرفتی - معنایی مشترکی می بخشد نقش بارزی در انسجام گروهی و اجتماعی دارد. اگر چه این نقش در جوامع سنتی سطوت بیشتری داشت ولی باید پذیرفت که همچنان نیز بی اثر نیست.
- ۷- دین بزرگترین نیرویی است که می تواند به انسان جهت روح سازی و جان پروری و در نتیجه بی مرگی و جاودانگی کمک کند.

## و اما چهره های وجه جلالی دین، که عبارتند از :

- ۱- دین از آنجا که پیرو متون مقدس ثابت و کهن و معمولاً پر دعوی و مغرور و نقد ناپذیر است، مانعی جدی برای پیشرفت علم و دانش جدید، که ذاتاً پر تحرک، سیال و چالشگر است، می باشد. (اگر چه دینداران با علم کردن پرچم تاویل می کوشند نیاز بنیادین خود که همانا "اراده برقراری ارتباط معطوف به تشخص" و یا به زبان ساده تر نیاز به داشتن ارتباط با دیگران به منظور متفاوت بودن و متمایز بودن است را از راه تاویل آیات جبران کنند اما طبیعی است که ایشان نمی توانند مانند افرادی که خارج از دین هستند نیاز به تشخص شاکله خود را آزادانه ارضا کنند).
- ۲- دین از آنجا که انسان هارا به دو دسته مومن و کافر و نیز مومن و مومن تر تقسیم می کند، علاوه بر ایجاد احساس غرور و خودبرتر بینی برای عده ای، موجبات ایجاد خشونت و کینه مقدس میان انسان ها را فراهم می آورد.
- ۳- دین از آنجا که برخی خشونت های مقدس را مجاز می شمرد، لذا موجب می شود که عده ای بتوانند به بهانه دین و با پوشش دین، بیش از آنکه دین گفته یا در جایی که دین نگفته، به عداوت با دیگر انسان ها برخاسته و به کین کشی و عقده گشایی شخصی بپردازند.
- ۴- دین از آنجا که با روابط نامشروع جنسی مخالف است و انسان نیز ذاتاً پست و هوس پرست و لذت جوست، لذا همین امر موجبات ناخرسندی و سرخوردگی روحی - روانی انسان را فراهم می آورد، اساساً از آنجا که دین با گناه مخالف است و بسیار "نه" می گوید، خود این مخالفت ها و نه گفتن ها، موجب کم نشاطی، دلمردگی و افسردگی مردم می شود.
- ۵- دین از آنجا که معمولاً خدا محور است و پدر را معادل خدا در خانواده می شمرد، لذا معمولاً روی چندان خوشی به زنان نشان نمی دهد و موجب ایجاد محدودیت برای زنان، بیش از مردان، می شود.

۶- دین معمولاً با هنر و فلسفه و مسایلی این چنینی، به بهانه غفلت زان بودن آنان و یا گمراه کننده بودن آنان و یا لهو و لعب و بیهوده بودن آنان، رابطه خوبی ندارد و لذا اگر به طور کامل آنها را طرد نکند، به شدت آنها را محدود می کند و می کوشد به هر طریقی که هست آنها را خادم خود کند.

۷- دین از آنجا که از لحاظ آسمانی خدامحور و از لحاظ زمینی خانواده محور است، مانعی جدی برای شکل گیری فردیت و تشخیص فردی است. و باید دانست که به وجود نیامدن فردیت و شخصیت مستقل انسانی، از اصلی ترین موجبات فلاکت و عقب ماندگی است.

۸- دین از آنجا که خدا محور است و انسان محور نیست لذا به نزد آن، کرامت و منزلتی که انسان در تفکر اومانیستی دارد ندارد. به تبع آن در جوامع دینی و نیز حکومت های دینی نیز انسان ها منزلت و مرتبتی، که هم نوعان ایشان در حکومت های غیر دینی دارند، ندارند و خودشان نیز در جامعه برای یکدیگر چنان شانی قایل نیستند.

۹- دین از آنجا که احتیاج به پاسدار دارد، یا به عده ای مجال می دهد که خود را پاسدار دین گردانند، لذا همین امر موجب می شود گروهی به نام روحانیون به وجود آیند، روحانیون معمولاً قدرت طلب، خودکامه و جاه جو، معمولاً حسود و تمامیت خواه و نیز دارای تعصب شدید صنفی می باشند. که همین امر، یکی از عوامل تنش زان و نشاط زدان در جامعه است. البته روحانیون، از آنجا که از دین ارتزاق می کنند و کار مولد انجام نمی دهند معمولاً از نظر مالی وابسته به دیگر اقشار جامعه هستند و از این راه تا حدودی موجب فشار مالی بر دیگر اقشار می شوند.

۱۰- دین توجه اصلیش به روح سازی و آخرت و جاودانگی است و معمولاً به این دنیا کم توجهی می کند؛ به تبع آن دین داران نیز به دنیا کم توجهی می کنند. در واقع دین داران آن شور و نشاط کافی برای آبادی دنیا، که لازمه آن گناه و معصیت و حتی ظلم و جور است، را ندارند. از همین رو دنیایی که دینداران دارند به نسبت دنیای بی دینان ویران تر و خراب تر است.

به هر صورت دین نیز همان گونه که گفته آمد همانند همه چیز در این عالم، وجهی جلالی دارد و وجهی جمالی. اما پرسش اینجاست که آیا می توان این دو وجه را به یک وجه اعلا و وجه اعظم بدل کرد؟ این پرسشی است که چه بسا آیندگان بدان جواب خواهند داد و البته به نظر ما اگر علمای اسلام نیز خود با توجه به شرایط جدید پرچمدار اصلاحات درون دینی و ایجاد تغییرات درون زان در فروع با حفظ اصول اساسی اسلام باشند (که همانطور که گفتیم با ایجاد فقه سیال متکی بر دو منبع قرآن و عقل میسر خواهد بود) با این تدبیر است که پیش از آنکه اسلام به سرنوشت مسیحیت دچار شود، با اصلاحات درونی می توانند ضمن تضمین پیشرفت مادی و مدرن کشور از فروافتادن جامعه در بحران های دنیای مدرن نیز جلوگیری کنند (دنیای مدرن حاصل اصلاح تحمیلی از برون دین است و نه اصلاحات درون زان) مهمترین این بحران ها، نیهیلیست و بی معنایی و ولنگاری اخلاقی است که نتیجه قهری اصلاح برون دینی مسیحیت است و ان شاء الله ما مسلمانان با اصلاح درون زان از افتادن در ورطه بحران معنا و بی اخلاقی ممانعت به عمل آوریم. پایان



تأملی در چند مقوله دینی (۴)

[m\\_mehraazin\\_ta\\_amoley\\_bar\\_tshand\\_maqulae\\_dini\\_۴.pdf](#)